

بررسی تطبیقی نفقه کودک در فقه امامیه و حقوق فرانسه

فاطمه زند اقطاعی^۱ سلیمه باه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی حقوقی، فروعات مرتبط با نفقه کودک را به روش توصیفی تحلیلی بررسی کرده است. تحلیل این موضوع نشان می‌دهد که در فقه امامیه نفقه کودک دارای رتبه‌بندی بوده و ابتدا بر عهده پدر و در صورت نبود یا فقر، بر جد، مادر و... است که با رعایت الاقرب فالاقرب می‌باشد، اما در حقوق فرانسه بر عهده والدین یا زوجین مشترکاً است و وقتی زوجین معذور از نفقه باشند، بر عهده حکومت است. برتری فقه امامیه بر حقوق فرانسه در خصوص واگذاری مسئولیت تأمین نفقه به وابستگان و حفظ کانون خانواده مورد توجه می‌باشد.

واژگان کلیدی: نفقه کودک، فقه امامیه، حقوق فرانسه، ترتیب در پرداخت نفقه، اشتراک در پرداخت نفقه.

۱. دکتری قرآن و علوم گرایش حقوق، طلبه سطح ۴ مدرسه علمیه امام حسین (ع) یزد/
zand1382f@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد فقه معارف گرایش قرآنی، طلبه جامعه المصطفی العالمیه مشهد و مؤسسه علمی -
تحقیقی مکتب نرجس (ع) مشهد (نویسنده مسئول) / Salim24mlb.92@gmail.com

* زند اقطاعی، فاطمه و باه، سلیمه. (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی نفقه کودک در فقه امامیه و حقوق فرانسه»،
دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۱، صص ۳۷-۶۴.

مقدمه

خانواده هسته اولیه جامعه بشری است و به همین جهت حمایت از آن و تأمین حقوق اعضای آن از سوی دولت‌ها و قانونگذاران مورد توجه ویژه‌ای است. در این میان کودکان به عنوان عضوی از این نهاد مقدس به واسطه محدودیت‌های طبیعی و اجتماعی خود نیازمند حمایت بیشتری هستند. علاوه بر این با توجه به این که کودکان سرمایه‌های هر کشور هستند لذا توجه به حقوق آن‌ها بسیار مهم است.

یکی از حقوق کودکان نفقه است. در برخی کشورهای اسلامی نفقه کودک مطابق با فقه در قانون نیز آمده و دارای پشتوانه دینی و ادله محکم فقهی است. از طرف دیگر در کشورهای غربی و کشورهای اسلامی که احکام اسلامی اجرا نمی‌شود، نیز به نفقه کودک اهمیت داده می‌شود. سؤال اصلی این پژوهش آن است که نفقه کودک در فقه امامیه و حقوق فرانسه از نظر حکم و آثار مترتب با رویکر تطبیقی چگونه است؟ فرضیه پژوهش این است که توجه اسلام به حقوق کودک بیش از حقوق فرانسه بوده و جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد.

از مهم‌ترین منابعی که در این زمینه وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) در فقه امامیه: *جواهر الکلام* (نجفی)، *موسوعه احکام الاطفال و ادلتها*، ج ۱، (فاضل لنکرانی) که به ادله وجوب نفقه و احکام آن درباره کودکان پرداخته است.

ب) در حقوق فرانسه می‌توان به مواد قانون مدنی فرانسه (Code civil français) اشاره کرد. همچنین کتاب *تشابهات و اختلافات قانون مدنی ایران و فرانسه* (کشاورزی) نیز به بررسی حقوق کودک در قانون ایران و فرانسه پرداخته است.

این پژوهش در سه قسمت مورد بررسی قرار گرفته است؛ در ابتدا به مفهوم‌شناسی نفقه و کودک پرداخته شده و در قسمت دوم ادله نفقه کودک در فقه

امامیه و مبنای آن در حقوق فرانسه بررسی شده و در انتها به نفقه انواع کودک اشاره شده است.

کودک در اصطلاح فقه

کودکی در اسلام از موضوعات پراهمیت بوده و مترتب بر احکامی است که گستره آن باید مشخص شود. حد فاصل آغاز و پایان، دوران کودکی است اما درباره این که از کی آغاز می شود و زمان پایش کی است اختلافاتی وجود دارد. ۱. برخی فقها شروع کودکی را از رحم مادر می دانند. روایاتی نیز وجود دارد که دلالت می کند بر این که شروع کودکی فرد از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر است (رک. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۷۱؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۰۰). این روایات در موضوعات سقط جنین و دیه او مطرح شده مبنی بر این که اگر جنین دارای حیات نبود بر او حکمی مترتب نمی شد. لذا از دیدگاه اسلام انسان از دوران زندگی جنینی به عنوان موجودی زنده و مستقل دارای حقوقی است که تعرض به این حقوق موجب ایجاد مسئولیت حتی برای مادر می شود. لذا شروع دوران کودکی از دوران حاملگی است (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

۲. برخی دیگر نیز شروع کودکی را همزمان با ولادت کودک می دانند و معتقدند که فرد تا زنده متولد نشود دارای حق و تکلیف نیست. صاحب جواهر با استناد به روایاتی اشاره می کند که جنین در صورت انفصال از حمل ارث می برد و اجماع منقول و محصل و روایات مستفیض بر آن دلالت دارد (رک. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ص ۷۰). شیخ حرعاملی نیز در باب «أَنَّ الْحَمْلَ يَرِثُ وَيُورَثُ إِذَا وُلِدَ...» روایات فراوانی را در این زمینه ذکر می کند (رک. حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۲).



از این رو طبق قول مشهور فقها اگر دیدگاه دوم را در شروع کودکی بپذیریم؛ آنچه مهم‌تر از آغاز دوره کودکی است، پایان آن است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

در قرآن کریم سه اصطلاح برای پایان دوره کودکی و رسیدن به بلوغ به کار رفته است:

۱. بلوغ حلم؛ ۲. بلوغ نکاح؛ ۳. بلوغ رشد.

در آیه شریفه سوره نور به «بلوغ حلم» اشاره شده است (رک. نور/۵۹) که منظور از آن همان بلوغ جنسی و محتلم شدن است. شیخ طوسی ذیل این آیه با بیان این که احتلام یکی از نشانه‌های بلوغ طفل است، به آیات ۵۷ و ۵۹ سوره نور و نیز حدیث نبوی "رفع قلم" استناد کرده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۲). علامه حلی نیز در تذکره تصریح می‌کند که در این مسأله، اختلافی بین فقها نیست (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۹۰). پس با مرحله بلوغ حلم کودک وارد مرحله دیگری از زندگی می‌شود.

درباره بلوغ نکاح نیز در آیه ششم سوره نساء در خصوص تحویل اموال یتیمان و رسیدن اطفال به حد ازدواج و توانایی آنان برای تشکیل خانواده، بحث شده است. اصطلاح بلوغ نکاح را همه فقها و مفسران به بلوغ معنا کرده‌اند و کنایه از آن دانسته‌اند. در زبده البیان تتبع احوال یتیمان از این جهت که حالشان از نظر رشد مشخص شود بیان شده است (اردبیلی، بی‌تا، ص ۴۷۹). به نظر می‌رسد که بلوغ نیز امری تدریجی است و این گونه نیست که تغییر فیزیکی و جسمانی فرد به طور دفعی و آنی این مسأله رخ دهد (رک. پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۷۱ و ۷۲).

در بلوغ اشد نیز که در آیات ۱۵۲ سوره انعام، ۲۲ یوسف، ۲۴ اسراء، ۸۲ کهف، ۵ حج، ۱۳ قصص، ۶۶ نمل و ۱۵ احقاف مطرح شده، منظور رسیدن به رشد و تعقل

و استحکام جوانی است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۱) در روایاتی نیز بلوغ اشد با سن مشخص شده است (رک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۶۹؛ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۲۲۶).
بنابراین با توجه به ادله، دیدگاه فقها این است که کودک کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد (رک. اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۴۸۳؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۳۵). در واقع کودکی از ولادت آغاز شده و تا بلوغ ادامه دارد.

کودک در حقوق فرانسه

ماده ۳۸۸ قانون مدنی فرانسه، کودک را هر شخص زیر هجده سال می‌شناسد.^۱ از طرفی شروع کودکی در حقوق فرانسه از زمان تولد است و پایان کودکی همان طور که در متن قانون مذکور تصریح شده، برای کودک سن تعیین شده و معیار سن را پذیرفته‌اند که حداکثر سن کودک در ماده ۴۸۸ از قانون مذکور هجده سال است.^۲

از آنجا که حقوق فرانسه قوانین بین‌المللی را وارد قوانین خود نموده این تعیین سن در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد نیز ذکر شده است و طبق آن به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد کودک گفته می‌شود مگر این که مطابق قانون حاکم بر آن شخص، سن کمتری برای رشد او مقرر شده باشد (ماده ۱، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹).

^۱ L'article 388 du code civil pose que mineur est l'individu de l'un ou de l'autre sexe qui n'à point encore l'âge de 18ans accomplis.

^۲ L'article 488 aliéna 1er du code civil <la majorité est fixé à 18ans accomplis... .



نفقة

در اصطلاح فقه

واژه «نفقه» اسمی است برای مالی که صرف هزینه زندگی می‌شود و جمع آن انفاق است (رک. واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۴۶۴؛ ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۶، ص ۲۳۵). نفقه در شرع عبارت است از چیزی که بقای شیء بر آن موقوف باشد شامل مأكولات (خوردنی‌ها) و مشروبات (نوشیدنی‌ها) و ملبوسات (پوشیدنی‌ها) و همه آنچه که یک شخص در زندگی به طور متعارف به آن نیازمند است. اسباب وجوب نفقه سه چیز است: زوجیت، قرابت و ملک (رک. نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۷۶؛ صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶).

در حقوق فرانسه

ماده ۲-۳۷۱ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: هر کدام از والدین در نگهداری و تربیت اطفال به تناسب توان مالی‌شان، به تناسب والد دیگر همچنین در حد نیازهای طفل مشارکت می‌کنند. این تعهد وقتی که طفل رشید است، به طور کامل قطع می‌شود (Article 371-2 modifié par la loi n° 2002). بنابراین طبق قانون مذکور در نفقه به رفع نیازمندی‌های طفل اکتفا می‌شود.

حکم نفقه کودک در فقه امامیه

کودک به دلیل ضعف وجود یا عدم توانایی به دست آوردن، نیازمند نفقه است. از این رو در ابتدا به حکم نفقه کودک از دیدگاه فقها پرداخته سپس به ادله آن اشاره می‌شود.

در نگاه فقها نفقه کودک، در ابتدا بر عهده پدر است و اگر پدر ندارد یا پدر دارد ولی فقیر است، بر جد پدر واجب است. اگر کودک جد پدری ندارد یا فقیر باشد، بر پدر جد واجب است. اگر پدر و جد پدر ندارد، نفقه بر مادر واجب است.

اگر پدر و مادر داشته باشد نفقه بر پدر واجب است و اگر مادر و جد پدری دارد بر جد پدری واجب است نه بر مادر. اما بعضی گفته‌اند: نفقه بر هر دو است، بر مادر ثلث نفقه و بر جد پدر ثلثان مثل میراث نزد آنهاست (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۱؛ رک. حلی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲۸).

صاحب جواهر نیز بیان می‌دارند: نفقه بر پدر و مادر و فرزندان واجب است و دلیل آن اجماع مسلمانان و مؤمنان است که در نصوص فراوان یا متواتر ذکر شده است. ایشان روایات زیادی را نقل کرده و در آن ترتیب در نفقه را مورد بررسی قرار می‌دهند (رک. نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۶۷).

دیدگاه فقهای معاصر نیز در این زمینه چنین است: انفاق بر پدر و مادر و پدران و مادران آنها اگر چه بالاتر روند و بر اولاد و فرزندان آنها اگر چه پایین‌تر روند واجب است؛ مرد باشد یا زن؛ صغیر باشد یا کبیره؛ مسلمان باشد یا کافر و بر غیر این دو ستون از نزدیکان واجب نیست. اگر چه مستحب است خصوصاً وارث از اقارب (خمینی، ۱۴۲۵، ص ۵۶۹).

برای وجوب نفقه از جهت منق‌الیه ترتیب است: پس نفقه فرزندان - مرد باشد یا زن - بر پدرش واجب است و اگر پدر نباشد و یا فقیر باشد بر جد پدری واجب است و با نبود جد یا این که فقیر باشد بر جد پدر واجب است و همچنین به طور الأقرب فالأقرب، بالا می‌رود و با نبود آنها یا اگر توانایی ندارند بر مادر فرزندان واجب است و با نبود یا فقر او بر پدر مادر و مادر پدر مادر و پدر مادر مادر و مادر مادر و همچنین بر الأقرب فالأقرب واجب است و با مساوی بودن آنها در درجه، در آن به طور مساوی شریک می‌باشند اگر چه در مرد بودن و زن بودن مختلف باشند و در حکم پدران مادر و مادران مادر، مادر پدر است و هر کسی که با مادر به پدر نزدیک است مانند پدر مادر پدر و مادر مادر او و مادر پدر او و هکذا (خمینی، ۱۴۲۵، ص ۵۷۵؛ رک. سیستانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۳۱).





بنابراین از دیدگاه فقها چنین به دست می‌آید که نفقهٔ اولاد بر والدین است اما دارای رتبه‌بندی است. رتبهٔ اول پدر است و بعد جد پدری و بعد مادر و... در ادامه به مهم‌ترین ادلهٔ مرتبط با این حکم پرداخته می‌شود.

ادلهٔ وجوب نفقه در فقه

همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد دیدگاه فقها در این زمینه وجوب نفقه است. ادلهٔ وجوب عبارت است از: کتاب، سنت، اجماع و عقل که در ادامه به ذکر اهم این ادله پرداخته می‌شود.

الف. کتاب

یکی از آیات وجوب نفقه عبارت است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتَوْهَنَّ أَجُورَهُنَّ» (طلاق/ ۶)؛ اگر بچهٔ شما را برای شما شیر دادند پس اجرت و مزد ایشان را بدهید؛ یعنی اگر فرزند شما را برای شما شیر دادند بعد از بینوئیت و جدایی پس مزد و اجرت رضاع و شیر دادن ایشان را بدهید؛ یعنی اجرت مثل را (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۱۱۰). در تفسیر کبیر نیز آمده است: حق رضاع و نفقه در حق اولاد بر عهدهٔ زوج است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۴).

شیخ طوسی به همین آیه در المبسوط استشهد کرده: «آیه وجوب نفقهٔ اولاد بر پدرانشان است برای مطلقات می‌خواهد نه برای زوجه؛ چون دلالت وجوب نفقه به شرط رضاع است در حالی که این شرط صفت مطلقه است و زوجه به شرط رضاع مستحق به اجرت نیست چون اجرت گفته شده و به نفقه اجرت گفته نمی‌شود» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۰). در مسالک الافهام هم ذیل آیه آمده که اجرت رضاع بر عهدهٔ پدر است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۹۲) پس وقتی اجرت رضاع بر عهدهٔ پدر است لازمه‌اش این است نفقهٔ ولد بر عهدهٔ پدر است.



آیه دیگر در این زمینه قول خداوند است در آیه ۲۳۳ سوره بقره که: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ...». خداوند در آیه فرموده است «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ» و «علی» برای وجوب استعمال می‌گردد؛ مثل «علی فلان دین». علت این که در آیه نفرمود «بر زوج واجب است» این است که بعض اوقات اجرت شیر دادن بر غیر از زوجه نیز واجب است مثل صورتی که پدر طفل همسرش را که مادر نوزاد است طلاق داده باشد. «مولود له» اشاره به این است که نفقه کودک در حقیقت برای پدر است و به این دلیل منسوب به او می‌باشد و ابتدائاً نفقه‌اش بر عهده پدر است... (سیوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲۶). معنی آیه این است نباید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود. بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حد متعارف بپردازد... چنانچه پدر کودک از دنیا برود هزینه مادر و کودک به اندازه متعارف از میراث به جا مانده بر عهده وارث است. حکم به حرمت ضرر (در آیه) بر فرزند عام است و شامل انواع ضرر می‌شود که از جمله ضررها امتناع از نفقه است و زمانی که عام ثابت شود خاص در ضمنش ثابت می‌شود؛ بنابراین وجوب نفقه کودک از این آیه استفاده می‌شود (رک. فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۹۰).

ب. سنت

روایاتی که در این زمینه وارد شده فراوان است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در برخی از روایات از امام درباره پرداخت نفقه سؤال می‌شود مانند این که از امام صادق (ع) پرسیدند: نفقه چه کسی را باید بپردازم و آیا نفقه‌اش بر من لازم است؟ امام (ع) فرمودند: پدر و مادر و بچه و زوجه (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۳؛ رک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳).

۲. در برخی احادیث از اجبار مرد بر پرداخت نفقه سخن رفته است مانند این که در حدیث صحیح از جمیل بن دراج نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمودند: «مرد مجبور نمی‌شود مگر بر نفقه پدر و مادر و فرزندان...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۲).

۳. در برخی احادیث موارد پرداخت نفقه ذکر شده که یکی از آن‌ها نفقه فرزند است از جمله آن جا که می‌فرماید: اما پنج وجهی که بر شخص برای نفقه واجب است: بر فرزند، پدر و مادر و همسرش و ملکش؛ بر او لازم است در حالت سختی و آسانی (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۵).

غرض آن که روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است. فقها قائل به این هستند که این روایات مستفیضه‌اند بلکه نزدیک به تواترند (رک. طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۰؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۷۹) یا بلکه اجمالاً متواتر است (رک. فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۹۰).

ج. عقل

برخی فقهای اهل سنت دلیل عقل را در این موضوع مطرح می‌کنند و معتقدند که عقل حکم به وجوب نفقه صبی بر پدر و مادرش می‌کند. علتش هم این است که فرزند انسان جزئی از خودش است؛ یعنی ولد جزئی از پدر است و همان‌طور که واجب است به خودش نفقه بدهد همچنان واجب است به جزئش نیز نفقه بدهد. چون نفقه هنگام نیاز از باب زنده نگه داشتن منفق علیه است. چون این قرابت از باب صله واجب است و قطع قرابت بالاجماع حرام است. همچنین نسب فرزند ملحق به پدر است و هزینه نفقه هم بر عهده اوست (رک. الزحیلی، ۲۰۰۸، ج ۷، ص ۷۳۲). اما شیعه دلیل عقل را کافی نمی‌داند؛ زیرا به نظر آن‌ها این دلایل استحسانات عقلی است و ما علم به ملاکات احکام نداریم؛ لذا به عنوان حکم شرع به این ادله توجه نمی‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۹۳).

د. اجماع

در منابع فقهی نسبت به نفقهٔ اولاد ادعای اجماع شده است (رک. نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۶۷؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۷۹) البته اجماع استنادی است و اعتبار ندارد چون اجماع‌کنندگان به روایات موجود استناد نموده‌اند و علاوه بر آن سیره هم می‌تواند دلیل مستقل باشد (رک. فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۹۳). بنابراین در فقه امامیه مهم‌ترین دلیل بر نفقهٔ فرزند آیات و روایات است که در آیه اجمالاً آن را وظیفهٔ پدر دانسته و در روایات به طور تفصیلی به اتفاق‌کننده بر فرزند اشاره شده است.

نفقهٔ کودک در حقوق فرانسه

نفقهٔ کودک یکی از سرفصل‌های مهم در حقوق مدنی فرانسه است (مادهٔ ۲-۳۷۱). از آن جا که هر قاعدهٔ حقوقی الزام‌آور است لذا باید دید منشأ این الزام کجاست؟

در کشورهای غربی غالباً مبنای حقوق، فطرت و طبیعت یا ارادهٔ دولت است. اگر مبنای حقوق فطرت و طبیعت باشد به معنی حقوقی است که از غریزهٔ انسان نشأت می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴)؛ یعنی انسان تمام نیازمندی قانونی خود را از طریق مراجعه به قوانین طبیعت و درک فطری به دست می‌آورد (خسروشاهی و دانش پژوه، ۱۳۸۱، ص ۵۲). به بیان دیگر بنیاد حقوق را نه ارادهٔ فرد به وجود می‌آورد و نه قدرت دولت؛ بلکه اعتبار هر قاعدهٔ حقوقی وابسته به میزان احترامی است که عملاً در جامعه یافته است. این مبنا امروزه در این کشورها کمرنگ شده و به مبانی دیگری تبدیل شده که مهم‌ترین آن ارادهٔ دولت است که به حقوق وضعی نیز شهرت دارد. در واقع گزاره‌های حقوقی محصول ارادهٔ انسان (دولت) بوده و همهٔ مشروعیت و اعتبار آن وابسته به ارادهٔ دولت است. تا وقتی



دولت از قانون حمایت کند قانون وجود دارد و مشروع و الزامی است و با رفع حمایت دولت اصلاً قانونی وجود ندارد تا سخن از مشروعیت و نامشروعیت به میان آورد (دانش پژوه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷). در حقوق فرانسه نفقه کودک در درجه اول برگرفته از طبیعت و فطرت است که پدر و مادر باید به فرزند خود نفقه دهند و بعد اعتباری است که دولت برای این مسأله قائل شده و الزام نفقه را از والدین خواسته است:

«نفقه کودک بر پدر و مادر لازم است؛ اگر پدر و مادر نفقه را بر عهده نگرفته یا از دنیا رفته‌اند و فرزند تحت سرپرست دیگری است (همان باید نفقه را بدهد) اگر کسی هم سرپرستی‌اش را قبول نکند، نفقه او بر عهده حکومت است» (L'article 390 du code).

در این ماده قانونی نسبت پدر و مادر در پرداخت نفقه و اولویت هر کدام مسکوت مانده است که نشان‌دهنده این است که پدر و مادر مشترکاً وظیفه دارند نفقه فرزند را تأمین نمایند.

نفقه انواع کودک

همان‌طور که در فصل قبل اشاره شد نفقه کودک واجب و لازم است اما این که نفقه غیر از حالت معمول و در موارد خاص مانند کودکان بی سرپرست، کودکان نامشروع، کودکان حاصل از تلقیح مصنوعی، کودکان پیدا شده و... بر عهده کیست، از سؤالاتی است که در ادامه پاسخ خواهیم داد.

الف. کودکان دارای والدین

چنانچه اشاره شد در فقه نفقه کودک بر عهده پدر است و با نبود پدر یا فقیر بودن او بر پدر بزرگ پدری و هر چه بالاتر رود واجب است چون آن‌ها پدر به حساب می‌آیند. اگر پدر و پدر بزرگ ندارد بر مادر واجب است و در نبود مادر یا

فقر او بر مادر و پدر مادر هر چه بالاتر رود با رعایت الاقرب فالاقرب و با مساوات در انفاق دادن مشترکند (حلی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۷).

در حقوق فرانسه نفقه این کودک بر عهده پدر و مادر است: زوجین به صرف ازدواج بالفعل با هم متعهد به نفقه و نگهداری و تربیت فرزندانشان هستند (رک. Article 203 و کشاورزی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۳).

در ماده ۲-۳۷۱ قانون مدنی فرانسه آمده: هر یک از والدین در نگهداری و تربیت اطفال به تناسب توان مالی‌شان و به تناسب والد دیگر همچنین در حد نیازهای طفل مشارکت می‌کنند؛ این تعهد تا وقتی که طفل رشید شود، به طور کامل قطع نمی‌شود (Article 371-2 و همان، ص ۲۱۵).

بنابراین وجه مشترک فقه امامیه و حقوق فرانسه وجوب و الزام بر نفقه کودک است. اما تفاوت در این است که در فقه امامیه با وجود پدر و مادر پرداخت بر عهده پدر است نه مادر. در صورت فقر و اعسار پدر به تربیتی که در فقه مشخص شده بر عهده جد و مادر است؛ اما در حقوق فرانسه پدر و مادر مشترکاً ملزمند که نفقه وی را بپردازند.

ب. کودکان بی سرپرست

در فقه برای کودکان بی سرپرست چنین بیان شده که به ترتیب بر پدر و اجداد پدری و نیز مادر و جدات مادری با وجود تمکن مالی واجب است نفقه کودکان را بپردازند، ولی اگر کودک بی سرپرست یا یتیم یا فقیر باشد و در تمام طبقات مذکور کسی نباشد که نفقه او را تأمین نماید، در این حالت نیز نباید بدون نفقه بماند بلکه تأمین نفقه او بر مسلمانان واجب کفایی است. همچنین در اسلام پرداخت نفقه این گونه کودکان از بیت‌المال به طور عام یا تحت عناوین خاص، پیش‌بینی شده و حکومت و حاکم اسلامی موظف است با بهره‌گیری از آن منابع، نفقه آن‌ها را تأمین نماید (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۲۴).



ماده ۴۴۹ و ۴۵۰ حقوق فرانسه نیز نفقه کودک بدون سرپرست را بر عهده حکومت گذاشته است.^۱ امروزه در قوانین جدید اختیار کامل به دادگاه داده شده که با توجه به امکانات مالی همسران طلاق گرفته و مصلحت طفل تصمیم بگیرد و اغلب وظیفه پرداخت نفقه مشترکاً به عهده پدر و مادر است و تفاوتی بین آن دو در این زمینه نیست.

در قانون فرانسه تصریح شده همسری که حضانت به او واگذار نشده مکلف است به تناسب امکانات مالی خود در هزینه نگهداری و تربیت اولاد شرکت کند (Article 288) شرکت در این هزینه‌ها به صورت مستمری خواهد بود و نحوه پرداخت و تضمینات مربوط به آن به موجب تصمیم دادگاه و در طلاق با تقاضای مشترک به حسب قرارداد زوجین که مورد تأیید دادگاه باشد، تعیین می‌گردد (Article 294 Modification). هرگاه وضع مالی بدهکار نفقه اقتضا کند، ممکن است به حکم دادگاه سرمایه‌ای در اختیار سازمان معتبری بگذارد تا بهره آن به مصرف نفقه فرزند برسد یا اموالی تخصیص دهد تا از منافع آن هزینه زندگی طفل تأمین شود (Article 294 Modification).

ج. کودک زنازاده

زنا عبارت است از نزدیکی مرد بالغ و عاقل با زنی که بر او حرام است بدون آن که عقد نکاح یا شبهه وجود داشته باشد با علم به حرمت و در حال اختیار (رک. انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۲). اگر از نطفه مردی با زن فرزند متولد شود شرعاً به او منتسب نمی‌گردد؛ زیرا نسب با زنا ثابت نمی‌شود (حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۸۱). البته برخی فقها تصریح کرده‌اند که ولد الزنا ملحق به مادر است: «ولد الزنا يلحق بأمه»

^۱Article 449 et 450: si il n'y a pas de tuteur ou si on ne connaît pas les parents de l'enfant: c'est l'état qui le prend en charge.

(مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۶۶). از آنجا که ولدالزنا به زانی ملحق نمی‌شود این بحث وجود دارد که نفقه او بر عهده کیست؟ برخی فقها قائلند اگر فرزند فقط به مادر منتسب است، نفقه او بر عهده مادر است در صورتی که مادر تمکن مالی داشته باشد اما اگر نداشته باشد از بیت‌المال پرداخت می‌شود (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۹). البته قول دیگری وجود دارد که نادر است و ولدالزنا را ملحق به پدر می‌داند که در این صورت بر عهده پدر وی است مگر آنچه که با دلیل خارج شود مثل ارث (همان، ص ۲۷۷).

برخی نیز اشاره می‌کنند به اینکه عدم الحاق به زانی فقط در مورد ارث است؛ اما در نفقه و حضانت زانی مکلف است این مسئولیت را بپذیرد و احکام ولد شرعی بر عهده اوست مگر آنچه که با دلیل خارج شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۲۳۶؛ ر.ک. تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۰).

همان‌گونه که توضیح داده شده نفقه کودک زنازاده بر عهده مردی است که نطفه از او منعقد گردیده ولی شرعاً به او منتسب نیست و آن مرد پدر قانونی و شرعی او محسوب نمی‌گردد، هر چند پدر طبیعی و لغوی و عرفی اوست. بدان جهت از دیدگاه عرفی وی مکلف است مخارج طفل بپردازد و او را حضانت و حفاظت نماید. از نظر طبیعی نیز هر پدر و مادری به فرزند خود علاقه دارند و بی‌تردید این علاقه آن‌ها را وادار به تأمین مخارج طفل و حضانت و سرپرستی او می‌نماید. ممکن است از عموم و اطلاق ادله وجوب نفقه طفل استفاده شود که از نظر شرعی نیز نفقه ولدالزنا بر پدر طبیعی او واجب است (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۶).

به همین جهت برخی فقها از جمله امام خمینی علیه السلام قائل به وجوب نفقه طفل نامشروع بر پدر طبیعی شده‌اند. ایشان در پاسخ به این سؤال که ولدالزنا در صورتی

که به زانی ملحق نمی‌شود نفقه او را به چه کسی باید پردازد؟ فرموده‌اند: «نفقه او بر پدر است» (رک. همان).

در حقوق فرانسه اگر چه کودکان خارج از نکاح، نسب قانونی ندارند اما رابطه خونی و واقعی آن‌ها با والدین انکارناپذیر است و از حدود یک قرن پیش تاکنون، در زمینه حمایت از کودکان خارج از نکاح تحولات لازم به وجود آمده و تلاش شده به تدریج از اختلاف موجودی میان کودکان خارج از نکاح و کودکان قانونی کاسته شود (گرجی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۸). برابر ماده ۳۳۴ جدید قانون مدنی فرانسه، اطفال خارج از نکاح در رابطه با والدین خود به طور کلی دارای همان حقوق و تکالیفی هستند که فرزندان مشروع دارا می‌باشند.

د. کودکان حاصل از تلقیح مصنوعی

در فقه و حقوق پزشکی تلقیح یعنی این که اسپرم و تخمک به وسیله ابزار پزشکی یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت و نزدیکی ترکیب شود (همان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۰). بنابراین تلقیح مصنوعی شامل انواع روش‌هایی است که در آن‌ها تمام مایع منی یا اسپرم بعد از آمادگی یا پرورده شدن (processed sperme) در قسمت‌های مختلف اندام تناسلی زن قرار می‌گیرد و بدون نزدیکی جنسی، امکان برخورد اسپرم و اوویست را فراهم می‌کند. این شیوه شباهت زیادی به تولید مثل طبیعی دارد (رضانیا معلم، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

در ادامه به پاسخ این سؤالات می‌پردازیم که:

آیا طفلی که از این روش به وجود می‌آید در نسب ملحق به پدر و مادر طبیعی خود است یا نه؟ نفقه او بر عهده کیست؟

کودکان حاصل از تلقیح مصنوعی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

کودک حاصل از تلقیح بین زوجین

طبق اجماع فقها تلقیح مصنوعی اسپرم شوهر با تخمک زن داخل یا خارج رحم و بعد انتقال به داخل رحم، در صورتی که مستلزم امر حرام نباشد جایز است و طفل متولد، ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است و حتی اگر در صورت عدم جواز، عمل انجام شده و طفلی متولد گردد، باز به صاحب اسپرم و تخمک ملحق می‌شود. همچنین برخی از فقها ناباروری‌ای را که موجب عسر و حرج باشد با وجود ارتکاب فعل حرام (مثل لمس یا نظر) جایز دانسته و فرزند را متعلق به صاحب نطفه و تخمک می‌دانند (رک. رضایا معلم، ۱۳۸۳، ص ۴۳۳-۴۸۵). بنابراین به طور یقین طفل متولد از تلقیح بین زوجین، فرزند قانونی است و تمام شرایط انفاق اقارب نسبی در این مورد جاری است (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۳). بدین ترتیب با توجه به اثبات قرابت نسبی، آثار فرزند نسبی بر آن بار می‌شود. لذا نفقه او بر عهده پدرش است.

طفل حاصل از دو بیگانه

در بحث نسب طفل متولد بین دو بیگانه، با توجه به نظر اکثر فقها که فرزند را به صاحب نطفه ملحق می‌دانند، به طور قطع می‌توان اظهار داشت که نفقه طفل حاصل از تلقیح دو بیگانه نیز بر عهده صاحب نطفه است. همچنین می‌توان ادعا کرد که اگر فقها نفقه فرزند نامشروع را واجب بدانند و زانی مسئول در نفقه او باشد، چنان که در کلمات برخی فقهاست «نفقه ابن الزنا علی الزانی» و «ابن الزنا کابن الحلال من حیث حق الحضانه و الرعايه» پس از باب اولویت، صاحب اسپرم مسئول فرزند می‌باشد. چون او لغتاً و عرفاً پدر طفل محسوب می‌شود. فلذا اکثر فقها به وجوب نفقه فتوا داده‌اند. البته بعضی از فقها در این امر احتیاط کرده‌اند و مبنایشان این است که حکم نفقه بر نکاح شرعی و علقه زوجیت مترتب می‌شود (رک. جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۲۱۱).



طفل حاصل از رحم استیجاری

در موضوع نسب طفل حاصل از رحم استیجاری، صاحب تخمک، مادر محسوب می‌شود و بر زنی که جنین را در رحم خود پرورش داده، حکم رضاعی بار می‌شود و در نتیجه بین او و بچه محرمیت و حرمت نکاح به وجود می‌آید. از آنجا که از نظر بیولوژی، صاحب یکی از عوامل اصلی تشکیل‌دهنده جنین بوده است و با ترکیب اسپرم و تخمک است که حیات انسان آغاز می‌شود، لذا در نظام خلقت فقط عوامل تشکیل‌دهنده نطفه، پدر و مادر شمرده می‌شوند؛ اگرچه نقش صاحب رحم در به ثمر رسیدن این نطفه بسیار قابل توجه است.

در حقوق ایران که در این زمینه متأثر از فقه امامیه است، نفقه این کودک را با توجه به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی بر عهده پدر است و پس از فوت او یا عدم قدرت او بر انفاق، به عهده اجداد پدری با رعایت الاقرب فالاقرب (رک. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی ایران). بنابراین در اینجا نیز فرزند ملحق به صاحب نطفه است لذا نفقه بر عهده او ثابت می‌شود.

طبق حقوق فرانسه اگر اسپرم از طرف زوج باشد فرزند برای زوجین است. اما با توجه به ماده ۲۰-۳۱۱ اگر اسپرم مربوط به شخص دیگری باشد (مثلاً وقتی اسپرم زوج خوب نیست) از نظر قانون باید صاحب اسپرم مخفی باشد و ناشناس بماند و کودک بعد از تولد، فرزند زوجین محسوب می‌شود. پس نفقه فرزند بر عهده زوجین است نه صاحب منی (Article 311-20).

و. کودک پیدا شده (اللقیط)

از جمله مباحثی که در ارتباط با حقوق کودک در فقه مطرح می‌باشد، احکام طفل گمشده است که آن را لقیط می‌خوانند. "لقیط" در واقع انسان صغیر گمشده‌ای است که استقلال ندارد و برای او سرپرستی نیست (نراقی، ۱۴۲۵، ص ۱۵۹).

برخی نیز لقیط را کودک صغیری می‌دانند که در حاشیه خیابان‌ها یا مساجد و دیگر اماکن عمومی بدون سرپرست یافت شود و توانایی حفظ و نگهداری خود را نداشته باشد و پدر و مادرش معلوم نباشد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۳۵۰).
 حال درباره این که نفقه این کودک بر عهده کیست، فقها نکات مهمی بیان فرموده‌اند.

در تذکرة الفقها آمده که نفقه گمشده بر کسی که گرفته است (ملتقط)، واجب نیست و دلیل آن هم اصالة البراءت است. علاوه بر این اسباب وجوب نفقه شامل قرابت، زوجیت است که در بحث کودک گمشده منتفی است. لذا نفقه لقیط اگر برای او مالی باشد از مال خودش است، اگر مالی نداشته باشد از بیت‌المال داده می‌شود. اگر هم در بیت‌المال چیزی نبود مسلمانان اقدام به نفقه او نمایند و جایز نیست او را ضایع نمایند (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۲۴). در این که نفقه لقیط از مال خودش است و مقصود آنچه که برای او وقف کرده‌اند یا بخشیده‌اند یا برای آن‌ها وصیت شده و قاضی آن را بپذیرد یا آنچه هنگام گم شدن در دستش بوده مانند چیزی که بر لباسش یا زیر لباسش بسته شده یا چهارپایی که بر آن سوار است و خیمه و لباسی که دارد و... پس اگر مال ندارد پیداکننده گمشده از حاکم برای نفقه او کمک می‌گیرد (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۵۴۸).

بنابراین دیدگاه مشهور میان فقیهان این است که لقیط مانند دیگر افراد بالغ می‌تواند صاحب ملک باشد و نفقه او (هزینه غذا، لباس، مسکن و...) از ملک خودش می‌باشد، اعم از این که به طور خاص مالک مالی باشد یا از زکات و دیگر اموالی که از نظر مقررات شرعی جایز است در این مورد مصرف گردد. اما ملتقط واجب نیست، نفقه لقیط را از اموال خودش تأمین نماید، البته در صورت امکان باید برای تصرف در اموال لقیط از حاکم شرع اجازه بگیرد (رک. فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸،



ج ۳، ص ۲۲۴؛ انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۵۲). بنابراین همانطور که ملاحظه شد در فقه ترتیب در نفقه به گمشده لحاظ شده است.

در حقوق فرانسه مواد ۴۴۹ و ۴۵۰ چنین آمده که اگر والدین کودک مشخص نیست (کودک پیدا شده در خیابان یا رها شده)، نفقه آن‌ها بر عهده حکومت است (Articles 449 et 450).

هـ کودکان فرزندخواندگی (تبنی)

فرزندخواندگی یا تبنی در لغت به این معناست که کسی فرزند دیگری را به فرزند خود بپذیرد. به عبارت دیگر فرزندخواندگی عبارت است از این که انسان قصد کند فرزندى را که نسب او شناخته شده است، به خود منتسب کند. در اسلام فرزندخواندگی به عنوان سببی از اسباب ارث معتبر نمی‌باشد؛ صرف این که قصد فرزندخوانده کردن حقیقت را تغییر نداده است، چون نسب برای فرزند ثابت است و نسب قبول فسخ نمی‌کند و با اسقاط، ساقط نمی‌شود (رک. مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۲۹۵). دلیل آن نیز آیه شریفه است که به آن تصریح دارد: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ، ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب/ ۴)؛ و پسر خواندگانتان را پسران (واقعی) شما قرار نداده است. این گفتار شما به زبان شماست ولی خدا حقیقت را می‌گوید و اوست که به راه راست هدایت می‌کند (رک. طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۱۴).

در فقه نیز فرزندخوانده اعم از این که آن فرزند، مجهول‌النسب باشد مانند لقیط یا معلوم‌النسب مانند یتیم و فرزندان فقرا؛ در حقوق اسلامی نیز عدم اثبات نسب یا تبنی یا فرزند خواندگی، منشأ اثر نیست و آثار نسب بر آن مترتب نمی‌گردد. بنابراین فرزندخوانده از پدر و مادرخوانده ارث نمی‌برد و آنان هم از او ارث نمی‌برند همچنین بر آنان واجب نیست نفقه او را بپردازند (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۳۵۶ - ۳۵۸). اما برای این که حق آن‌ها ضایع نشود برای آن‌ها قانون گذاشته شده است. در

حقوق ایران فرزندخواندگی با صدور حکم سرپرستی از طرف دادگاه آغاز می‌شود. از این تاریخ کودک پذیرفته شده در حکم فرزند خانواده است و زن و شوهر پذیرنده باید مانند پدر و مادر مشروع به نگهداری و تربیت کودک پردازند و هزینه معاش و تحصیل او را تحمل کنند. از سوی دیگر کودک نیز وظیفه دارد در خانه پدرخوانده زندگی کند و احترام آنان را نگاه دارد (رک. قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹).

از جمله آثار حکم سرپرستی، لزوم اجرای تعهدات و قراردادی است که به واسطه انعقاد عقد فرزندخواندگی بر عهده زوجین متقاضی و فرزندخوانده نهاد شده است مبنی بر این که به وظیفه و تکالیف قانونی و شرعی خود از لحاظ نگاهداری و تربیت و پرداخت نفقه همانند فرزند حقیقی به واسطه انعقاد عقد سرپرستی عمل نمایند (رک. همان، ماده ۱۱). بنابراین فرزندخواندگی در فقه منشأ اثر نیست بلکه جهت این که حق او ضایع نشود یا بر عهده والد اصلی است و اگر معذور باشد والدین جدید او می‌توانند متعهد به پرداخت نفقه شوند.

در حقوق فرانسه فرزندخوانده در مزایای حق و وظیفه مثل فرزندان طبیعی است؛ یعنی فرزندخواندگی از پدر و مادرخوانده او ارث می‌برد و آن‌ها هم از او ارث می‌برند و... (Loi du 5mars 2007) لذا در حقوق فرانسه نفقه او بر عهده زوجین است.

ی. کودک کار

منظور از کودک کار، کودکی است که به کسبی دارای درآمد، اشتغال دارد. در مباحث قبل اشاره شد که پدر متعهد به پرداخت نفقه است؛ اما اگر فرزند به حدی رسید که دارای درآمد شد حتی اگر به سن بلوغ نرسیده بود و پدرش او را برای کار پاداش می‌دهد، پس در این صورت نفقه او در کسب خودش است. چون



و جوب نفقه کمک به فرزند است و نه کمک به کسب فرزند. چون به دست آوردن درآمد شرعاً حکم غنی دارد (رک. لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷).

در ریاض المسائل آمده است: «اگر صغیر به حدی رسید که امکان یادگیری حرفه یا کسبی را داشت گفته شده بر ولی است که او را بر آن کار وادارد و از کسبش به او نفقه دهد اما اگر فرار کرد یا کسب کردن را ترک کرد بر عهده پدر است که نفقه او را بدهد بر خلاف شخص مکلف» (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۱۶ و ۴۱۷). البته طبق فقه کودک مجبور به کار نیست اما اگر کسبی داشت که دارای منافع مادی بود، حق مالکیت او نادیده گرفته نشده است.

در حقوق فرانسه درباره این که نفقه کودک را چه کسی پرداخت کند چیزی گفته نشده است. اما در ماده ۳۲ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک آمده است: کودک در برابر استثمار اقتصادی محافظت شود. از کارهایی که ریسک یا احتمالاً وجود دارد عاری شود: چیزهایی که آموزش او را به خطر بیندازد یا به سلامتی او یا پیشرفت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب برساند (رک. کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۳۲-۳۶).

نتیجه

سرمايه‌های بالقوه هر جامعه کودکان هستند و توجه به حقوق آنها در هر جامعه‌ای در اولویت است. از دیدگاه فقه، کودکی از زمانی که در بطن مادر است شروع می‌شود و پایان آن طبق قول مشهور بلوغ است. در حقوق فرانسه کودکی از لحظه تولد آغاز شده و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد. یکی از حقوق کودک، نفقه است که در فقه امامیه دارای رتبه‌بندی است. به این ترتیب که ابتدا پدر و بعد سایرین. ولی در حقوق فرانسه، بین زوجین اشتراکی است حتی اگر کودک، فرزند زوجه نباشد.

آنچه از این تحقیق به دست می‌آید بیان نفقه انواع کودک است که در جدول زیر نشان داده شده و بر اساس آن اسلام مسئولیت پدر را در هر صورت به رسمیت شناخته و در رتبه بعد، اقربای کودک اعم از جد، مادر و... قرار دارند. به این ترتیب می‌بینیم که اسلام کودک را از فضای خانواده و اقربا جدا نکرده و در رتبه آخر نفقه را بر عهده حکومت نهاده و اسباب وجوب آن را در درجه اول بر قرابت معین کرده است.

در حقوق فرانسه علاوه بر این که رتبه‌بندی وجود ندارد، وقتی زوجین معذور از نفقه باشند بر عهده حکومت قرار داده می‌شود.

ردیف	انواع کودک	نفقه کودک در فقه امامیه	نفقه کودک در حقوق فرانسه
۱	کودک دارای والدین	به ترتیب بر عهده پدر، جد، مادر و سایر اقربا. در صورت نبود هیچ یک، بر عهده حکومت است.	به صورت اشتراک بین زوجین
۲	کودک بی سرپرست	در صورت نبود سرپرست به ترتیب بر عهده: ۱. تمام مسلمانان (واجب کفایی) ۲. از بیت المال	بر عهده حکومت است
۳	کودک زنزاده	اگر فرزند ملحق به پدر و مادر است نفقه او بر پدر است، ولی اگر ملحق به مادر است نفقه او بر مادر است و با فقر مادر از بیت المال پرداخت می‌شود.	بر زوجین است. با ناتوانی زوجین بر عهده حکومت است.
۴	کودک حاصل از تلقیح مصنوعی	۱. تلقیح حاصل از زوجین: مثل کودک دارای سرپرست ۲. تلقیح حاصل از دو بیگانه: بر عهده صاحب نطفه است	بر زوجین است.



		۳. رحم استیجاری: بر صاحب اسپرم و تخمک است.	
۵	کودک پیدا شده	۱. اگر مالی داشت از اموال خودش؛ ۲. اگر مالی نداشت از بیت المال؛ ۳. اگر از بیت المال چیزی نبود بر عهده مسلمانان است.	نفقة او بر حکومت است.
۶	فرزند خوانده	۱. اگر پدر و مادر دارد نفقه او بر آنهاست. ۲. اگر پدر و مادر ندارد پدر و مادر خوانده او نفقه می دهند.	بر عهده زوجین است.
۷	کودک کار	۱. اگر مال دارد از مال خودش است. ۲. اگر ندارد بر عهده پدر است.	-----

۶۰



سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد؛ **زبدة البیان فی أحكام القرآن**، تهران، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، بی تا.
۳. انصاری، قدرت الله؛ **احکام و حقوق کودک در اسلام**، ج ۱، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۹۲.
۴. پیوندی، غلامرضا؛ **حقوق کودک**، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۵. جمع من المحققین فی اللجنة الفقهیة؛ **موسوعة احکام الاطفال و ادلتها**، ج ۱، قم، مرکز فقه ائمة الطهار علیهم السلام، ۱۴۲۸.
۶. جمعی از مؤلفان؛ **مجلة فقه أهل البيت** علیهم السلام (بالعربیة)، شماره ۵۲، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی؛ **ریاض المسائل**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
۸. حسینی السیستانی، السید علی؛ **المنهاج الصالحین**، ج ۳، مشهد، مکتب آیت الله العظمی السید سیستانی، ۱۴۲۸.
۹. حلی، جعفر بن حسن؛ **شرائع الاسلام**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۹.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ **تذکرة الفقهاء**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴.
۱۱. خسروشاهی، قدرت الله؛ **فلسفه حقوق**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱.



۱۲. خمینی، روح الله موسوی؛ **تحریر الوسیله**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۳. دانش پژوه، مصطفی؛ **مقدمه علم حقوق**، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۱۴. رضایا معلم، محمدرضا؛ **بارورهای پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۴۷.
۱۵. الزحیلی، وهبه؛ **الفقه الاسلامی و ادلتها**، ج ۷، دمشق، دار الفکر، ۲۰۰۸.
۱۶. سبزواری، سید عبد الأعلى؛ **مهدب الأحکام**، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳.
۱۷. سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله؛ **کنز العرفان فی فقه القرآن**، ج ۲، ترجمه عقیقی بخشایشی، قم، بی نا، ۱۳۸۵.
۱۸. شریف القرشی، باقر؛ **نظام الاسرة فی الاسلام**، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸.
۱۹. صادقی، سمیه؛ **نگاهی به مسائل حضانت از منظر فقه و قانون**، مشهد، مهرطاهر، ۱۳۹۲.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ **من لایحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳.
۲۱.؛ **معانی الأخبار**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.
۲۲. صفایی، سید حسین؛ **حقوق مدنی و حقوق تطبیقی**، تهران، میزان، ۱۳۸۲.
۲۳. طوسی، ابی جعفر محمد ابن الحسن بن علی؛ **المبسوط فی الفقه الامامیه**، ج ۷، بیروت، بی نا، بی تا.
۲۴.؛ **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد جواد؛ **موسوعة احکام الاطفال و ادلتها**، ج ۱، قم، مرکز فقه ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۸.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ **کتاب العین**، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.

۲۷. قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست (مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹)

۲۸. قانون مدنی ایران

۲۹. قانون مدنی فرانسه

۳۰. قرشی، سیدعلی اکبر؛ **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲.

۳۱. کشاورزی، مهدی؛ **تشابهات و اختلافات قانون مدنی ایران و فرانسه**، تهران، مجلد، ۱۳۹۶.

۳۲. کنوانسیون حقوق کودک

۳۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، بی تا.

۳۴. محمدی، علی؛ **شرح تبصره علامه حلی**، ج ۲، قم، دارالفکر، ۱۳۷۱.

۳۵. مرعشی نجفی.....؛ **منهاج المؤمنین**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶.

۳۶. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین؛ **القصاص علی ضوء القرآن و السنة**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، ۱۴۱۵.

۳۷. مغنیه، محمد جواد؛ **فقه الإمام الصادق**، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ دوم، ۱۴۲۱.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ **الفتاوی الجديدة**، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ دوم، ۱۴۲۷.

۳۹. نجفی، محمدحسن؛ **جواهر الکلام**، ج ۳۱، بیروت، بی تا، بی نا.

۴۰. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی؛ **الحاشیة علی الروضة البهیة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۵.

۴۱. L'article ۳۳۸, ۳۹۰, ۴۰۴, ۴۰۵, ۴۰۶, ۴۰۷, ۴۰۸, ۴۰۹, ۴۱۰ du code civil.

۴۲. L'article ۴۸۸alinéa ۱er du code civil.

۴۳. Article ۳۷-۲ et ۳۷۱-۲ modifié par la loi n ۲۰۰۲-۳۰۰ du ۴ mars ۲۰۰۲ art. ۳ JORF ۵ mars.

۴۴. L'article ۲۰۳:créer par la loi ۱۸۰۲-۰۳-۱۷promulguée le ۲۷
mars ۱۸۰۳
۴۵. Loi du ۰۳mars ۲۰۰۷sur la protection.
۴۶. L'article ۳۲de la convention internationale des droit de l'enfant.